



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۱ مهر ۱۴۰۳

موضوع کلی: امارات و ظنون

موضوع جزئی: شهرت - تهافت در نظر و عمل شیخ انصاری درباره شهرت - توجیه شهید مصادف با: ۸ ربیع الثانی ۱۴۴۶

صدر و بررسی آن - توجیه بعضی از بزرگان و بررسی آن - حق در مسئله

جلسه: ۱۵

سال شانزدهم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### تهافت در نظر و عمل شیخ انصاری درباره شهرت

آخرین مطلبی که در بحث از شهرت فتوایی باقی مانده مربوط به یک تهافتی است که بین نظر و عمل شیخ انصاری وجود دارد. یعنی از یک طرف شیخ انصاری شهرت فتوایی را معتبر نمی داند. عبارت ایشان را ما قبلاً خواندیم که ایشان گفتند برخی توهم کردند که شهرت فتوایی از جمله ظنونی است که دلیل خاص بر آن داریم، یعنی از ظنون خاصه معتبره محسوب می شود در حالیکه اینچنین نیست، ما دلیلی بر اعتبار و حجیت شهرت فتوایی نداریم. به عبارات ایشان و نظر ایشان در مورد عدم جبران قصور سندی و قصور دلالی روایات به وسیله شهرت فتوایی اشاره کردیم و اینکه اساساً ایشان معتقد است شهرت فتوایی معتبر نیست.

لکن از طرف دیگر در مقام فتوا خود شیخ انصاری در موارد متعدد بر خلاف این نظر عمل کرده و تنها به خاطر شهرت فتوایی یک فتوایی دادند، یعنی هیچ دلیلی بر آن فتوا نداشتند، همه ادله را رد کردند، اما به خاطر ملاحظه فتوای مشهور خود ایشان حداقل فتوا بر طبق مقتضای ادله ندادند. حال در اینکه کجا چنین کردند، چه بسا اختلاف نظر باشد. برخی مواردی را بیان کرده اند، مثل:

روشن کردن چراغ با روغن متنجس<sup>۱</sup>، استبراء زن حائض<sup>۲</sup>، در تخمیر یا ترتیب میان خصال کفارات در باب روزه<sup>۳</sup>؛ موارد متعددی است که اینها همه کاملاً معلوم است که شیخ انصاری در مقام استنباط و افتاء نظر مشهور را ملاحظه کردند. به هر حال شهرت فتوایی بر نتیجه گیری ایشان سیطره داشته. یک نمونه دیگر که اشاره به آن خالی از فایده نیست مربوط به صحت و بطلان عقد صبی است؛ اینکه آیا کسی که به سن بلوغ نرسیده اگر عقدی را انجام بدهد؛ عقد او صحیح است یا خیر؟ برخی با استناد به حدیث رفع می گویند عقد صبی صحیح است ولی شیخ انصاری استدلال به حدیث رفع را نمی پذیرد و نهایتاً می فرماید دلیل عمده بر بطلان عقد صبی اجماع منقول به خبر واحد است که با شهرت عظیمه تقویت می شود. شیخ انصاری در مواردی با ضمیمه این دو یعنی اجماع منقول و شهرت عظیمه فتوایی داده است.

سپس خود شیخ انصاری می فرماید: اگر ما به اجماع و شهرت توجه نکنیم مشکل است که بتوانیم حکم به بطلان عقد صبی کنیم. بعد ایشان در مورد اجماع نیز اشکال می کند و آن را مورد مناقشه قرار می دهد و یگانه دلیل بر بطلان عقد صبی را شهرت فتوایی می داند. چون به نظر وی اجماع در اینجا مشکل دارد؛ برای اینکه کسانی مثل محقق حلی، علامه حلی، ابن العلامه، قاضی ابن براج،

<sup>۱</sup> کتاب الطهاره، ج ۱، ص ۷۹.

<sup>۲</sup> کتاب الطهاره، ج ۳، ص ۱۴۳.

<sup>۳</sup> کتاب الصوم، ص ۹۰.

مخالفت کردند و با وجود مخالفت اینها دیگر جایی برای اجماع باقی نمی ماند، پس تنها شهرت فتوایی مستند بطلان عقد صبی است. لذا شیخ انصاری از ابتدا همه ادله را اینجا رد کرده و بعد فرموده تنها این دو می تواند اثبات بطلان عقد صبی کند یعنی اجماع منقول و شهرت، بعد در خصوص اجماع هم از نظر صغروی اشکال می کند و می گوید اینجا اصلا اجماع تحقق ندارد با وجود مخالفت هایی که ذکر شد. پس تنها شهرت فتوایی می ماند و بر همین اساس ایشان نیز قائل به بطلان عقد صبی می شود. این نشان می دهد که شیخ انصاری شهرت را کأنه به عنوان یک دلیل مستقل مورد توجه قرار داده، کم نیست مواردی در کتاب الطهاره، کتاب الصوم، کتاب المکاسب که ایشان به شهرت تکیه کرده، با اینکه خود ایشان شهرت را قبول ندارد.

این را چطور باید حل کرد؟ البته ناهماهنگی بین یک مبنایی در علم اصول و تطبیق آن در فقه بعضا پیش می آید، گاهی ممکن است به دلیل غفلت یا نسیان ناسازگاری دیده شود. لذا در مورد شیخ انصاری، از طرفی در رسائل می بینیم که مفصل درباره شهرت فتوایی بحث کرده و حجیت آن را رد کرده، اما در بحث های فقهی در موارد متعدد به شهرت استناد می کنند. این چگونه قابل توجیه است؟

### **توجیه شهید صدر**

مرحوم شهید صدر یک مطلبی فرموده که این نه در خصوص شیخ انصاری بلکه به صورت کلی قابل تطبیق است. ایشان می فرماید به طور کلی در فاصله میان اصول قدیم و اصول جدید که به وسیله شیخ انصاری پایه گذاری شد برخی از اموری که در امر استنباط بسیار کارآیی داشتند و می توانستند مورد استفاده قرار بگیرند، تقریبا مغفول واقع شدند و کنار گذاشته شدند مثل اجماع منقول، شهرت فتوایی و جبران ضعف سندی و دلالی به وسیله روایت، پیش از شیخ انصاری این سابقه داشته که مثلا شهرت فتوایی انکار شود اما در مقام عمل سعیشان این بود که فتاوی پیشینیان را نادیده نگیرند.

در زمان شیخ انصاری نیز همین اتفاق افتاده، شیخ انصاری شهرت فتوایی را نمی پذیرد اما در مقام استنباط به فتوای مشهور کاملا توجه دارد و مواردی که ملاحظه مشهور را می کند خیلی زیاد است. در مکاسب شیخ انصاری گاهی بعد از استدلال در ابطال ادله، با توجه به فتوای مشهور یا احتیاط می کند یا یک حکمی را بیان می کند.

شهید صدر می فرماید این ناشی از یک عنصر روانی است که ربطی به خود علم و دانش ندارد بلکه یک امر فرا علمی و دانشی است. این عنصر روانی همان حالت نفسانی است، حالت نفسانی پرهیز از مخالفت با اجماع و مشهور. اینکه در مقابل بزرگان و علمای پیشین قرار نگیرند شیخ انصاری هم با اینکه در مورد اجماع منقول و شهرت همین نظر را داشت و اینها را برای استنباط کافی نمی دانست اما خودش در مقام فتوا اینچنین عمل کرد.

اینها همه تحت تأثیر یک عامل روانی و حالت نفسانی است. البته ایشان توضیح نداده که این حالت روانی و عنصر نفسانی ناشی از تقوا و احتیاطی بوده که اینها داشتند که مبادا یک وقت حکمی را بیان کنند و به شرع نسبت دهند که خلاف ما انزل الله باشد. آنها وقتی می دیدند اکثر فقها یک نظری دارند در حالیکه هم بدون دلیل و حجت فتوا نمی دادند، بالاخره این حالت سیطره پیدا کرد و باعث شد که در مقام فتوا بر خلاف مقام استدلال نسبت به فتوای مشهور احتیاط کنند و آن را مقدم بر نظر خودشان بدانند.

### **بررسی توجیه شهید صدر**

آنچه شهید صدر فرموده قابل انکار نیست، بلکه واقعیتی است که ناشی از همان حالت احتیاط و تقوای این بزرگان بوده، اما این راه حل نیست، مشکل را حل نمی کند، بلکه فقط یک توجیه است برای این رفتار، اصل تفاهت را می پذیرد ولی راه حل علمی برای آن ارائه نمی دهد این فقط تحلیل کاری است که شیخ انصاری کرده و قرار دادن آن در یک چارچوب قابل پذیرش.

### توجیه بعضی از بزرگان

برخی دیگر از بزرگان توجیهی برای این امر بیان کردند که مبتنی بر یک پیش فرض است که باید ابتدا آن را قبول کنیم تا این راه حل قبول شود.

حضرت آیت الله زنجانی می گویند علت اینکه شیخ انصاری به شهرت فتوایی تمسک کرده این است که شیخ انصاری اساساً انسدادی بوده، یعنی مطلق ظن را حجت می دانسته و چون شهرت فتوایی هم مفید ظن است آن هم ظن قوی بنابراین به عنوان یک دلیل مورد استناد قرار گرفته است. اگر ما این را بپذیریم دیگر تهافتی بین این دو وجود ندارد زیرا از یک طرف اینکه شیخ انصاری فرمود برخی توهم کردند که شهرت حجت است و آن را از باب ظن خاص حجت دانستند این قابل قبول نیست این یک توهم است؛ این معلوم است، اما انسداد نتیجه اش حجیت مطلق ظن است، مقدمات دلیل انسداد یعنی انسداد باب علم و علمی، مکلف بودن به تکالیف و توجه و تعلق احکام به مکلفین، اینکه ما تکلیفی نداشته باشیم، باب علم که منسد است باب علمی نیز منسد است؛ پس چاره ای نداریم جز اینکه ظن را حجت بدانیم. انسدادی ها همین را می گفتند.

پس شیخ انصاری اگر انکار کرده حجیت شهرت فتوایی را یعنی حجیت و اعتبار آن را از باب ظن خاص انکار کرده است. یعنی گفته ما دلیل خاصی بر اعتبار شهرت فتوایی نداریم. وقتی دلیل خاص بر اعتبار آن نداشتیم دیگر نمی توانیم بگوییم آن از باب ظن خاص حجت است، دیگر مثل خبر واحد نیست ولی این منافاتی ندارد با اینکه شهرت فتوایی را از باب حجیت مطلق ظن حجت بدانند. شیخ انصاری در واقع تمایلی به انسداد داشته، شیخ انصاری به نوعی اصل دلیل انسداد را به خصوص یکی از مقدماتش را قبول داشته، اگر اینچنین باشد، مطلق ظن حجت می شود و اگر مطلق ظن حجت شد طبیعتاً شهرت نیز به عنوان یک چیزی که مفید ظن است حجت می شود.

بنابراین اگر شیخ انصاری در فقه به شهرت فتوایی استناد کرده است بر مبنای حجیت مطلق ظن و دلیل انسداد بوده و اگر در اصول انکار کرده حجیت شهرت فتوایی را این انکار متوجه حجیت شهرت فتوایی به عنوان ظن خاص بوده، لذا بین اینها تهافت و تنافی وجود ندارد. آنچه که ایشان در علم اصول گفتند از یک جهت درست است، گفتند که شهرت فتوایی حجت نیست یعنی از ظنون خاصه نیست و ما دلیل خاص بر اعتبار آن نداریم. اما اینکه در فقه به شهرت فتوایی اتکا کرده و فتوا داده بر اساس شهرت فتوایی و آن را به عنوان یک دلیل مستقل پذیرفته به خاطر این است که شیخ انصاری خودش انسدادی است، یعنی قائل به حجیت مطلق ظن است.

لکن این تازه اول ماجراست. اینکه به چه دلیل شیخ انصاری انسدادی است؟ از کجا می گویند شیخ انصاری انسدادی است؟ ایشان به یک اموری استناد می کنند؛ برای اینکه اثبات کند که شیخ انصاری تمایل به دلیل انسداد دارد، ایشان می گویند از آن چند مقدمه دلیل انسداد یک مقدمه اصلی و مهم است، آن مقدمه که ثابت شود کافی است برای این مسئله، این هم یک توجیهی است که ایشان ذکر کردند.

### بررسی توجیه بعضی از بزرگان

این توجیه جای اشکال دارد. چون ما به سختی می توانیم شیخ انصاری را از کسانی بدانیم که متمایل به دلیل انسداد است، بالاخره اگر شیخ انصاری انسدادی بود یک جایی باید این مکتوب می کرد یا در جمع شاگردانش شفاهی می فرمود، در حالیکه ما هیچ جا نه به صورت مکتوب نه به صورت نقل شفاهی از شیخ انصاری چنین مطلبی را مشاهده نمی کنیم. در تقریرات شیخ انصاری گاهی برخی از مقررین و شاگردان شیخ انصاری می نویسند که شیخ انصاری در مجلس درس اینچنین فرمود اما در مورد دلیل انسداد این را نمی بینیم بلکه مرحوم آشتیانی در حاشیه رسائل (بحر الفوائد) تصریح کرده است که من از سخنان شیخ انصاری در مجلس درس استفاده کردم که او معتقد به ظنون خاصه است، یعنی ظنون خاصه را معتبر می داند، ظنون خاصه به انضمام ادله علمیه، واقعی به اغلب احکام است و ما اغلب احکام را با ظنون خاصه و انضمام ادله علمیه می توانیم کشف کنیم. ظنون خاصه هم از منظر ایشان ظواهر الفاظ و خبر مفید و ثوق و اطمینان است.

لکن دلیل و شاهد قابل قبولی برای اینکه شیخ انصاری متمایل به دلیل انسداد بوده است را نمی یابیم و لذا این توجیه به نظر می رسد که با یک تکلفی همراه است و پذیرش آن مشکل است.

### حق در مسئله

لذا باید بگوییم حق همان مطلبی است که شهید صدر گفته است. بله این تهافت وجود دارد بین مبانی اصولی و فتاوا گاهی ناسازگاری به نظر می رسد و البته این هم لازمه تفکیک مقام استدلال و مقام فتوا است و احتیاطی است که آقایان در مقام فتوا داشتند.

والحمد لله رب العالمین»